

شناختی از هرمان هسه
بازخوانی تفسیری و انتقادی آثار هرمان هسه

رضا نجفی



انتشارات کاروان

www.caravan.ir

www.ketab.ir

www.ketab.ir

سرشناسه	: نجفی، رضا، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: شناختی از هرمان هسه: بازخوانی تفسیری و انتقادی آثار هرمان هسه / رضا نجفی.
مشخصات نشر	: تهران: کاروان، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۹۵ ص.
شابک	: 978-964-8497-92-2
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیها.
یادداشت	: ص.ع. به انگلیسی: <i>An Insight into Hermann Hesse</i>
یادداشت	: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر	: بازخوانی تفسیری و انتقادی آثار هرمان هسه.
موضوع	: هسه، هرمان، ۱۸۷۷-۱۹۶۲ م. -- نقد و تفسیر.
رده‌بندی کنگره	: ۲۶۵۱ / ۳۲ن
رده‌بندی دیوبی	: ۸۳۳/۹۱۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۰۰۴۴۸



انتشارات کاروان

شناختی از هرمان هسه
بازخوانی نمایی و انتقادی آثار هرمان هسه
رضا نجفی
(تقد و بررسی)

An Insight into Hermann Hesse
Reza Najafi

چاپ اول ۱۳۸۷
صفحه آرای سیارا محسن پور
طراحی جلد فرشته سعید
نمونه خوانی مریم رضازاده
لیتوگرافی کارا
چاپ کانون چاپ
تیراژ ۱۵۰۰ نسخه
۳۰۰۰ تومان

تمام حقوق محفوظ است. هیچ
بخشی از این کتاب، بدون
اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل
تکثیر یا تولید مجدد به هیچ
شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی،
انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا
نیست. این اثر تحت پوشش
قانون حمایت از مؤلفان و
مصنفان ایران قرار دارد.

ISBN: 978-964-8497-92-2

مرکز بخش: کاروان - ۸۸۰۰۷۴۲۱
تهران - صندوق پستی ۱۴۱۴۵-۱۸۶

email: info@caravan.ir

website: www.caravan.ir

فهرست

پیش درآمد

۱. هرمان هسه و جهان او: نکافی کلی به آرا و آثار هرمان هسه ۱۲

نقدها

۲. کالبدشکافی یک رمان: گرگ بیابان ۲۷

۳. کالبدشکافی یک رمان: دمیان ۸۳

۴. کالبدشکافی یک رمان: سیدارنا ۱۲۷

۵. کالبدشکافی یک رمان: نار تسیس و گلدموند ۱۵۱

پیوست‌ها

۶. سالشمار زندگی هرمان هسه ۱۶۵

۷. کتابشناسی آلمانی آثار هرمان هسه ۱۸۲

۸. کتابشناسی و مقاله‌شناسی آثار هسه در زبان فارسی ۱۸۷

۹. کتابشناسی و مقاله‌شناسی درباره هسه و نوشته‌هایش ۱۹۱

در زبان فارسی

۱

هرمان هسه و جهان او:

نگاهی کلی به آرا و آثار هرمان هسه

۱-۱. یادداشت

نیچه گفته است: «آنچه را می‌گویم نخواهید پذیرفت، مگر آنکه پیشاپیش آن را دریافته باشید.» این گفته کمابیش درباره هسه و آثارش نیز صادق است. خوانندگان هسه پیشاپیش او را بسیار دوست داشته‌اند یا هیچ دوست نداشته‌اند. دوست داشتن آثار هسه بسته به آن است که روح و جان ما تا چه اندازه بارقه‌هایی را از رمانتیسزم در خود داشته باشد.

اما زمانه زمانه زوال رمانتیسزم می‌نماید. اندیشمندان بسیاری درباره نفی و طرد تغزل‌گرایی سخن گفته‌اند و می‌گویند. از این رو، آیا آرا و آثار هسه در چنین زمانه تغزل‌ستیزی محکوم به فنا نیستند؟

گفتیم که هسه و آثارش را پیشاپیش دوست می‌دارند یا دوست نمی‌دارند و می‌افزاییم که اما در هر دو حال نمی‌فهمند. اما بدترین بدفهمی‌ها از آثار هسه نه از آن تغزل‌ستیزان و رمانتیسزم‌گریزان، که از آن تغزل‌گرایان محض است. بیشترین دوستداران آثار هسه از گروه

شیفتگان رمانتیسیم هستند - که همین خود سرچشمه بسیاری از بدفهمی‌هاست - اما اندیشه و آثار این نویسنده غنی‌تر و عمیق‌تر از آن است که در چهارچوب رمانتیسیم محدود ماند. برای نمونه توماس مان ادیب برجسته آلمانی باور داشت: «گرگ بیابان [هسه] رمانی است که به دلیل شهادت تجربی خود هیچ چیز از اولیس [جویس] و سکه سازان [زید] کم ندارد.» و آندره ژید نیز خود را دقیق‌ترین و پیر احساس‌ترین ستایندگان پرشور هرمان هسه در فرانسه خطاب می‌کند.

هرمان هسه را هم بیشتر دوستان‌اران و هم اکثر مخالفانش بد فهمیده‌اند. هسه افزون بر آنکه وارث سنت‌های رمانتیسیم کهن آلمانی است، پهنه‌های دیگری از روح آلمانی - به مانند غنای آلمانی - را در نور دیده و آنها را با عناصری دیگر همچون حکمت شرقی، عرفان و روانشناسی در آمیخته است.

از این رو، آثار هسه لایه‌های معنایی گوناگونی دارند که رمانتیسیم نخستین و سطحی‌ترین آنهاست. سرآغاز همه بدفهمی‌ها در بازخوانی هسه فراتر رفتن از همین لایه نخست، و سبب‌ساز این پیش‌رفت‌ن نبود شناخت شایسته و بایسته از هسه است. آنچه در پی می‌آید کوششی است برای بازشناسی زندگی، آثار و اندیشه‌های این نامدار ناآشنا.

۲-۱. هسه و حیات معنوی او

در سال ۱۸۷۷ نیچه مشغول آفرینش آثار بزرگ خود بود و در روسیه نیز داستایفسکی و تولستوی هنوز در قید حیات بودند و دنیای بزرگ و فراخ ادبیات داستانی روسیه را به نقطه اوج خود می‌رساندند. در آلمان چیرگی فلاسفه ایده‌آلیست و نویسندگان رمانتیک ادامه داشت و در عین حال تلاش‌های ویلهلم، قیصر آلمان، برای ابرقدرت کردن آلمان، به ملی‌گرایی آلمانی دامن می‌زد؛ امری که بعدها سبب‌ساز دو جنگ جهانی در اروپا شد.

در چنین سالی هسه در دهکده کالو در حاشیه جنگل سیاه دیده به جهان گشود. نه تنها والدین که هر دو پدر بزرگ هسه روزگاری را جزو

هیئت‌های مذهبی در هند به سر برده بودند، اما فضای خانه آنان تنها بوی شرق نمی‌داد؛ پدر هسه، که کشیشی در حلقه آیین پی‌تسیم (پاک‌دینی) بود، فرزندانش را با سنت‌های تربیتی بسیار سختگیرانه پاک‌دینی پرورش می‌داد و قرار نیز بر این بود که هرمان کوچک تحصیلات مذهبی را طی کند و سرانجام خود نیز، مانند پدرانش، به سلک کشیشان در آید. سال‌های کودکی هرمان، به سبب تربیت سختگیرانه پدر و نظام دیکتاتورانه مدارس آلمان زمان ویلهلم که شاگردان مدارس را به دیده سربازان پادگان‌های نظامی می‌نگریست، چندان به شادی نگذشت.

اشتیاق به نوشتن از همان سال‌ها در او شکل گرفت. هسه ده‌ساله بود که نخستین داستان‌ش را نوشت و مصمم شد «یا نویسنده و شاعر شود و یا هیچ چیز». اما خانواده‌اش او را به مدرسه‌ای مذهبی سپرد و چندان نپایید که روح شاعرانه هسه خردسال جو خشک و خشن مدرسه را تاب نیاورد و از آنجا گریخت. یکسال بعد زیر فشارهای عصبی دست به خودکشی زد تا اینکه والدین او پذیرفتند که هسه درس و مدرسه را رها کند. او مدتی را به شاگردی در مشاغل ساعت‌سازی، قفل‌سازی و سپس کتابفروشی پرداخت. پیشه کتابفروشی به او فرصت داد تا آثار نویسندگان رمانتیک آلمانی را بیشتر بخواند.

بیست و یک سال بیشتر نداشت که نخستین کتاب شعر خود، آوازه‌های رمانتیک، را به چاپ رساند. یک سال بعد، ساعتی پس از نیمه شب را منتشر ساخت که ریلکه آن را ستود. سپس سفرهای او به سویس و ایتالیا آغاز شد.

هسه، در سال ۱۹۰۱، نوشته‌ها و اشعار پسامرگ هرمان لاشر و سال بعد کتابی به نام اشعار را به چاپ رساند. در سال ۱۹۰۴ رمان پترکامتسیند را منتشر کرد و با ماریا برنولی پیمان زناشویی بست. هسه که دیگر می‌توانست از راه نویسندگی زندگی کند از همان زمان زندگی منزویانه‌ای در پیش می‌گیرد و در دهکده‌ای کوچک در حاشیه بودن زه مقیم می‌شود. انزوای هسه را فقط یکی دو سفر به سویس و ایتالیا و به‌ویژه سفرش به هند در سال ۱۹۱۱ می‌شکند.

او که گرفتار مشکلاتی در زندگی زناشویی خود بود؛ سفرش به هند را گونه‌ای راه حل معنوی برای مشکلات خود در زندگی می‌پنداشت؛ البته این سفر همه مشکلات او را حل نکرد و حتی مشرق زمین و هند که او دید با مشرق زمین و هند خیالی اش تفاوت‌های اساسی داشت، اما این سفر در او بی‌تأثیر هم نبود و از آن پس، حضور عناصر شرقی و عرفانی در آثارش فزونی گرفت.

در سال ۱۹۱۲، همه برای همیشه آلمان را ترک کرد و ساکن سوییس شد. او در سوییس حتی بیش از آلمان منزوی بود. با آغاز نخستین جنگ جهانی، او که تحت تأثیر اندیشه‌های تولستوی صلح‌طلبی را پیشه کرده بود به مخالفت با ملی‌گرایی و جنگ‌خواهی آلمانی‌ها برخاست. حتی می‌توان گفت ترک آلمان در ۱۹۱۲ نشان ناخرسندی او از سیاست‌های میلیتاریستی دیش دوم بود.

سال‌های نخستین جنگ جهانی، تیره‌ترین و غم‌انگیزترین سال‌های زندگی همه به شمار می‌آید. کمابیش همه آلمانی‌ها، تحت تأثیر ملی‌گرایی تندروانه‌شان، به اندیشه‌های جنگ‌خواهانه دامن می‌زدند (حتی نویسنده‌ای چون توماس مان که بعدها از مدافعان دموکراسی شد، از این امر مستثنا نبود). از این رو، جای شگفتی نیست که سلیلی از نغم و دشنام هموطنان همه نصیب او شود. تنها رومن رولان، ادیب فرانسوی، بود که در بحبوحه خردباختگی همگانی ملت‌های اروپایی؛ شجاعت اخلاقی و تکرر وی اومانیستی همه را ارج نهاد و با او هم‌نوا شد؛ تا جایی که همه بعدها نوشت که اگر نسامه‌نگاری‌هایش با رومن رولان نبود، دوران جنگ برای او تاب‌آوردنی نمی‌نمود.

به سبب موضع‌گیری همه علیه جنگ، او خوانندگان آلمانی خود را از کف داد و گرفتار دشواری‌های مالی شد. در همین سال‌ها، پدرش را از دست داد و بیماری روانی همسرش شدت گرفت. او که پیش از آن نیز بیماری و خیم فرزند را از سر گذرانده بود، این دشواری‌ها را تاب نیاورد و به ناچار از روانکاوان کمک گرفت. همه یک دوره روان‌درمانی را نزد

دکتر لانگک، از دستیاران کارل گوستاو یونگ، آغاز کرد و بعدها چند جلسه‌ای نیز به گفت‌وگو با خود یونگ پرداخت.

زندگی هنری هسه نقاش از همین زمان آغاز می‌شود و او نقاشی را به مثابه روشی درمانی برمی‌گزیند. مکتب روانکاوی یونگ تأثیری بنیادی بر هسه و آثار بعدی او بر جای می‌گذارد و با پایان یافتن جنگ، هسه جدیدی، ققنوس وار، از خاکستر رنج‌های خویش برمی‌خیزد.

دگرگونی نویسنده تا بدان پایه بود که او نامی دیگر بر خود نهاد و با نام مستعار امیل سینکلر (زینکلایر) نخستین رمان پس از جنگ خود، *دیمان*، را منتشر کرد. با چاپ *دیمان*، که سخت تحت تأثیر مکتب روانکاوی یونگ، اندیشه‌های نیچه، گنوسیسم و داستایفسکی است، هسه از نویسنده‌ای معمولی به یکی از بزرگ‌ترین رمان‌نویسان آلمانی زبان سده بیست بدل می‌گردد.

همین جا باید یاد آور شد که به‌طور کلی حیات ادبی هسه را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد: نخستین دوره از آغاز فعالیت ادبی تا پایان نخستین جنگ جهانی را دربرمی‌گیرد، دومین دوره با پایان یافتن جنگ جهانی و با نگارش رمان *دیمان* آغاز و به دومین جنگ جهانی ختم می‌گردد و سومین دوره کمابیش از آغاز دومین جنگ جهانی تا پایان زندگانی نویسنده را شامل می‌شود.

در نخستین دوره از این حیات ادبی، هسه نویسنده‌ای یکسره رمانتیک است که به افسانه‌های بومی آلمانی (Völkermärchen) و شعر دلپسته است. در این دوران، هسه شاعر بیش از هسه رمان‌نویس و هسه افسانه‌نویس بیش از هسه منتقد خودنمایی می‌کند. ذهنیت نویسنده در این دوره، اساساً تغزلی و رمانتیک است. اما در دومین دوره که هسه در دوران جنگ - گرچه غیر مستقیم - آبداده شده و رنج‌ها و بحران‌های گوناگونی را از سرگذرانده و مهم‌تر از همه، با روانکاوی یونگ آشنایی یافته است، ما با نویسنده‌ای جدی‌تر و عمیق‌تر روبه‌رو هستیم؛ نویسنده‌ای که بیش از دوران ناپختگی خود با فلسفه، عرفان، روانشناسی و مکاتب جدید ادبی دمخور شده و از آنها تأثیر گرفته است.

درحالی که مهم ترین آثار هسه در دوره نخست زندگی ادبی او به رمان هایی چون پتر کامتسیند، گرتروود، زیر چرخ و روسهالده؛ چند مجموعه داستان که بیشتر وابسته به سنت افسانه های بومی هستند و چند مجموعه شعر ختم می شود، پرآوازترین آثارش محصول دومین دوره حیات ادبی اوست.

رمان های میان، گرگ، یابان، سیدارتا و سرانجام نارنسیس و گلدموند یا رنگس و زرین دهن همه از آن این دوره اند. حتی در داستان های هسه نیز دگرگونی های اساسی به چشم می خورد. او به تدریج از افسانه های بومی به افسانه های هنری (Kunstmärchen) می گراید و از سویی دیگر در داستان های دیگرش تأثیراتی را، که از مکاتبی همچون اکسپرسیونیسم و سورئالیسم برگرفته است، آشکار می سازد.

در این دوره هسه را پیشوای نئورمانتیسیم آلمانی می شناسند، اما جهت گیری عرفانی و فلسفی اندیشه هسه از او نویسنده ای ساخته است که هیچ یک از نویسندگان آلمانی زبان به او نمی مانند.

سومین و واپسین دوره ادبی هسه فقط در یک رمان او، بازی مهره های شیشه ای، بازتاب یافته است. او پس از روی کار آمدن نازی ها در آلمان، جز رمانی ناتمام به نام پرتولد (و البته بازی مهره های شیشه ای)، دیگر رمانی نوشت و به سرودن شعر، نوشتن داستان های کوتاه، مقالات و نقدهای ادبی بسنده کرد. اما بازی مهره های شیشه ای به تنهایی ارزش آن را دارد که دوره سوم را دوره ممتاز حیات ادبی نویسنده بدانیم.

این رمان که در طول جنگ جهانی دوم نوشته و منتشر شد، حاصل جمع تمامی تأثیرگیری ها، دلمشغولی ها، اندیشه ها و هنر هسه است. بازی مهره های شیشه ای را می توان با کوه جادوی توماس مان سنجید که آکنده از نمادهایی عمیق و باارزش است. این رمان که در سال ۱۹۴۶ جایزه نوبل ادبی را برای آفریننده خود به ارمغان آورد، رمانی تربیتی (Bildungsroman) شناخته شده است. اما نمادگرایی گسترده بازی مهره های شیشه ای آن را از زمره رمان های تربیتی نیز فراتر می برد. از برخی جهات، این رمان یادآور مجموعه ویلهلم مایستر گوته است، اما